

گشت و گذاری با آقای بهرام رحمانی در پارک لاله تهران!

کاظم بهارلو

سه شنبه ۵ خرداد ۱۳۸۸

ظرف شش سال گذشته جنبش کارگری ایران با فراز و نشیبهای فراوانی روبرو بوده است. اکنون دیگر برای همه روشن است که جنبش کارگری ایران که به صحنه مبارزه طبقاتی پاگذارده است، بلحاظ کیفیت و محتوای سیاسی مبارزه در قدمهای اولیه خود بسر میبرد. هر روز بر تعداد فعالین و مبارزین جنبش کارگری افزوده میشود. سیر تشکل یابی کارگران از برگزاری روز جهانی کارگر در اول ماه مه سال ۸۳ در سقز، تا بمیدان آمدن طبقه کارگر و رشد روند اعتصابات و تظاهراتهای خیابانی و بوجود آمدن تشکلهای مستقل کارگری و ایجاد کمیته های مخفی کارگران مبارز در کارخانجات، تا بوجود آمدن سندیکای شرکت واحد و نیشکر هفت تپه همه بیانگر این حقیقت است که جنبش جوان کارگری ایران برای بدست آوردن حقوق از دست رفته اش و برای تامین رفاه خویش و خانواده اش جز تشکل و اتحاد راه دیگری در مقابل سرمایه داران متحدی که دولت و ارتش را در دست دارند برای خود متصور نیست!

بخشی از جنبش نوبنیاد و جوان طبقه کارگر ایران امسال نیز در مراسم روز جهانی کارگر با صدور آگهی و اعلامیه ای از طرف چند گرایش متحد شده در "کمیته برگزاری مراسم روز جهانی کارگر" کارگران و خانواده شان را در پارک لاله تهران با اعلام خواستههای پانزده گانه دعوت به برپائی جشن اول ماه مه ۱۳۸۸ نمود.

وقایعی که بعد از سرکوبی وحشیانه کارگران و خانوادهایشان و دستگیری بیش از یکصد و پنجاه نفر بدست نیروهای امنیتی و لباس شخصی های وزارت اطلاعات قبل از اجرای این مراسم بوقوع پیوست، ارائه جمعبندی های متفاوت از سوی گرایش های مختلف درون جنبش کارگری را موجب شده است. و هم اکنون با گذشت بیش از دو هفته از اول ماه مه، سیر بیرون آمدن نظرات و جمعبندی های مختلفی در این زمینه همچنان ادامه دارد. ذکر این نکته را بسیار ضروری و حیاتی می دانم که درست اینست که خود نیروهای برگزار کننده به ارائه جمعبندی از این حرکت مبارزاتی بپردازند. کاری که متأسفانه تاکنون انجام نشده است. ارائه این جمعبندی از سوی دست اندرکاران می تواند سهم مهمی در ارزیابی کلی از تجمع پارک لاله بازی کند.

بیشک باید سرکوب وحشیانه شرکت کنندگان و دستگیر شدگان این مراسم توسط نیروهای بسیج و لباس شخصی های رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی را بشدت محکوم نمود. و برای آزادی دوستان و رفقای دربندمان متحدانه رژیم را در یک کارزار خستگی ناپذیر خبر رسانی و آگاهگرانه در دعوت کارگران جهان به پشتیبانی از حقوق کارگران ایران و ادار بعقب نشینی نمود.

اما در عین حال که بطور جدی و بیوقفه برای آزادی رفقا و دوستان این مراسم شرکت می نمائیم باید با شیوه اصولی و غیرسکتاریستی و با اتکا به روحیه انقلابی اتحاد علیه دشمن مشترک به مبارزه نظری برای بدست آوردن یک اتحاد عمیقتر و واقعی برای تبدیل نهضت خودبخودی و جوان کارگری به یک نهضت انقلابی سوسیالیستی دست زد. در هفته های اخیر نظراتی در غالب پشتیبانی و نیز در نقد نظرات نیروهای تشکل دهنده کمیته برگزاری بیرون آمده است.

در میان نظرات ارائه شده نقد پاره ای از سیاستهای نیروهای برگزارکننده مراسم پارک لاله توسط "جمعی از فعالین کارگری (جافک)" قابل تعمق است. نوشته این رفقا از طرف برخی گرایشهای درون جنبش کارگری بطور مستقیم یا غیر مستقیم مورد انتقاد غیر اصولی قرار گرفت. همین که آقای رحمانی و دیگران (سویا برخورد غیر علمی شان) به نوشته این رفقا (جافک) برخورد نمودند امر خوبیست. چون به اعتقاد من نشان میدهد که رفقای جافک نکات مهمی را که خوشایند انحصارطلبان جنبش کارگری نیست را عنوان نموده اند. شوربختانه برخی این نقد را با "ماجرای جوانان سیاسی" خواندن "کمیته برگزاری مراسم روز جهانی کارگر" از طرف گروه دیگری که ارتباطی با "جمعی از فعالین کارگری (جافک)" نداشتند بطرز زشتی تعمدا یکی جا زدند و با تکیه بر شیوه سکتاریستی و ارزیابی های غیر علمی آنرا در کنار "گروه های بی ریشه و بی بوته" قرار دادند! برخی دیگر در یک نوشته "سمبولیک!" با تظلم خواهی غیر پرولتری، پس از اشارات فراوان به وجود اختلاف بین جمع "غیرمونتاز کننده تئوری" خود از یک طرف و برخی از جریانات تشکیل دهنده "کمیته برگزاری مراسم روز جهانی کارگر" از طرف دیگر، جدی نگرفتن و نپرداختن به آن اختلافات را اساس "وحدت" قرار میدهد. گویا (که محققا هم بجز این نیست!) که اختلافات بر سر کله پاچه است که باید با این همه تعارفات توخالی از آن چشم پوشید.

طبقه کارگر هیچگاه از نقد خویش باز نمی ایستد. همواره حرکت خود را بزیر نقد بیرحمانه میگیرد تا بر مبنای جمعبندی علمی از اشتباهات و نکات قوت هر حرکتش راه رسیدن به سوسیالیسم و دنیای عاری از استثمار و کمونیسم را هموار سازد. نقد صادقانه جایگاه خاصی در بین کوشندگان واقعی نهضت کارگری ایران دارد. و بخاطر اینکه جنبش کارگری و نهضت سوسیالیستی ما در ابتدای گامهای خویش می باشد الزام به قطعیت بیشتری به نقد حرکت از سوی فعالین کارگری است. نقد صحیحی و علمی مطابق با متدولوژی سوسیالیستی موجبات پاره شدن زنجیرهای اسارت و بردگی طبقه کارگر میگردد. برعکس نقد غیر علمی و سکتاریستی مطابق منافع بورژوازی است و طبقه کارگر را در اسارتش محصور و زندانی میکند!

از جمله نوشته ها و "نقدها" در این زمینه مربوط است به رفیق عزیز آقای بهرام رحمانی. (۱) من در این نوشته روی مسائلی که ایشان عنوان کرده اند تکیه میکنم.

بهرام رحمانی در ابتدای نوشته اش با بوجود آوردن جو بسیار سکتاریستی نادرست و نارفیقانه با استفاده از واژه هائی از قبیل "مچ دوستان دروغین طبقه را هر چه بیشتر در نزد افکار عمومی باز "کردن"، "فراخواندندگان اول ماه می پارک لاله را به نوعی «ماجرای جوانان سیاسی» معرفی نمودن، "گروههای بیریشه و بیبوته در خارج کشور" ، "هیاهو" راه انداختن، "جمعی ناشناس" و "تئوری بافی" کردن، آنچنان جوی ناسالم سکتاریستی نادرست و نارفیقانه ای را بوجود می آورد که مرز بین منقدینی که با اتکا به مارکسیسم-لنینیسم و متد علمی خواهان بررسی کاستی ها و علل نافرجامی حرکت روز جهانی کارگر هستند و آنان که از دید نگارنده ما (بهرام رحمانی)، "برخی جریانات ظاهرا رادیکال و مدافع کارگر و سوسیالیسم و یا فرمیسیت و گروههای بیریشه و بیبوته در خارج کشور که همواره بر سر مسایل حاشیهای هیاهو براه میاندازند..." می باشند را تعمدا مخدوش ساخته است.

متأسفانه آقای رحمانی که بمدت ۳ دهه در جبهه نبرد علیه ارتجاع جمهوری اسلامی مشغول مبارزه اند، بجای نقد نوشته جمعی از فعالین کارگری با پراکندن مطالب کذب و جو سازی های رایج ممتج از منافع غیر پرولتری به بی

اعتبار کردن این جمع پرداخته اند. ایشان رسم را بر این گذارده اند که اگر بتوان جمعی را با چنان روش عقب مانده افتراپراکنی بی اعتبار نمود دیگر نیازی به نقد و بررسی آنچه این جمع حقیقتاً نوشته است (و نه آنچه که ایشان با ظرافت خاصی می خواهند به خواننده خود حقنه کنند که این جمع "گفته" است نیست!)

دوست گرامی آقای رحمانی! طبقه کارگر ایران از "کمونیستهای" نسل قبلی، همچون شما، توقع دارد که تحلیل طبقاتی از نظرات مخالفین خود از جمله جمعی از فعالین کارگری- جافک ارائه دهند. در غیر اینصورت، آیا طبقه کارگر ایران به سینه چاکانی که مارکسیسم را مسخ می نمایند، وبا وزیدن باد از هرسو تغییرجهت دهند چه احتیاجی دارد؟ برای اینکه مبدا به اقتباس از شیوه ایشان متهم شوم نوشته ای را که بقلم آقای بهرام رحمانی در سایت جمعی از فعالین کارگری (جافک) در بخش نظرات کاربران نوشته اند را برای فعالین کارگری می آورم تا مشخص شود ایشان که این رفقا را در نوشته اخیرشان "جمعی ناشناس" خوانده اند چگونه یکسال پیش خود را رفیق همین جمع معرفی نموده اند!

"سه شنبه ۱۸ تیر ۱۳۸۷ ساعت ۱۶: ۱۵ رفقای عزیز با دروهای صمیمانه وب سایت خوب و بحث های مهم و اساسی دارید. امیدوارم این بحث ها هر بیشتر عمیقتر شود قطعاً رهایی طبقه مزدبگیران ازستم و استثماری سرمایه داری از طریق مبارزه متحد و هدف مند با استراتژی سوسیالیستی امکان پذیر است. رفیق شما بهرام رحمانی». آقای رحمانی آیا این رفقا را همچنان "جمعی ناشناس" می دانید؟

متأسفانه آقای رحمانی با "بیبوته و بیریشه" خواندن یک گروه، چنین سبک برخوردی کوتاه بینانه ترین و عقب مانده ترین شکل ممکن را که بدون شک با اخلاق کمونیستی منافات دارد انتخاب نموده اند تا بدین طریق خیال خویش را از وارد شدن به موضوع اصلی جلو پای جنبش کارگری راحت نمایند. آقای رحمانی باید بخاطر داشته باشند که بخش عظیم و اکثریت رهبران، زنان و مردان عضو و هواداران متشکل در سازمانهای کمونیستی که در کوران و از دل مبارزات انقلابی ۵۷ (سرنگونی رژیم شاه) بیرون آمدند را پلیس مخفی نیروهای سازمان اطلاعات و امنیت رژیم جمهوری اسلامی (با کمک و مساعی بیدریغ حزب توده خائن و سازمان اکثریت) بفاصله چندی پس از پیروزی انقلاب از دست کارگران ربود(!)، در زندانها بدور از هرگونه ارتباطی با کارگران در حبس نگه شان داشت، بطور هولناکی شکنجه شان کرد و در سال ۶۷ همه آنان را اعدام کرد. این دلیل اصلی "بی بوته و بیریشه" شدن تمامی گروه ها و سازمانهای کمونیستی می باشد.

آقای رحمانی با بهره برداری از چنان القابی بجای مشخص نمودن مواضع طبقاتی مخالفین خویش اصل مبارزه طبقاتی مارکسیسم - لنینیسم را نیز شدیداً زیر پا گذاشته اند. مگر جز این است که لنینیسم بما می آموزد که باید در پس گفتارهای هر فرد و گروه سیاسی منافع طبقاتی خاصی را جستجو کنیم! مگر جز این است که لنینیسم بما می آموزد که آنان که جز این کنند "در سیاست همواره قربانی سفیهانه فریب و خود فریبی بوده و خواهند بود!"

آیا نباید انتظار داشت که کارگران با خواندن نوشته غیر اقماعی و غیر علمی تان به این درک برسند که زشتگویی و ترور شخصیت عامدانه که شما با توسل به آن برای بی اعتبار نمودن نظرات گروه مخالف تان بکار برده اید بر خلاف آنچه که به آنان وعده داده اید که: «مسائل عمیقتر» این جمع را مورد بررسی قرار میدهیم. (تاکید از من) از عدم اعتقاد شما به مبانی انقلابی م. ل. سرچشمه گرفته است؟ شما با نفی بدیهی ترین اصول مبارزه طبقاتی، عدم

اعتقاداتان به دیکتاتوری پرولتاریا، تجدید عهد با پوپولیسم "سوسیالیسم" کارگری و خدمت به طرفداران جنبش علنی گرائی صنفی و نظریه اکونومیستی بورژوا لیبرال، بدترین و مضرترین راه خدمت به طبقه کارگر ایران را انتخاب نموده اید. به اعتقاد من این بهیچوجه اتفاقی و تصادفی نیست که طرفداران مشی اکونومیستی مبارزه اقتصادی کارگران به چنان شیوه ناپسندی همانند یک کارگر عقب مانده قلچماق دست می یازند! در شرایط ضعف پرولتاریای انقلابی و کارگران پیشرو، "پرزوران و قوی پنجه ها" میدان دار بساط اکونومیستها گشته اند!

از همینجا من برآنم که برخلاف رسم نرّم شده سبک و شیوه غیرانقلابی لمپنیسم، ترور شخصیت، سکتاریسم و عوامفریبی رایج در جنبش کارگری، اختلافات عمیق خویش با نظرات مخالف رابا صبر و شکیبایی روشن نمایم، و منافع و جایگاه طبقاتی چنان نظراتی رابا اتکا به متدولوژی سوسیالیسم علمی برای پویندگان و کوشندگان جنبش کارگری در حد توان خویش روشن نمایم و جنبش کارگری جوان ایران را از خطر جدی که آنرا تهدید میکند بر حذر نمایم. برای آنکه بتوان تصویر بهتری از گرایش ایدئولوژیک- سیاسی آقای رحمانی و طرفداران سیاست علنی گرایانه را ارائه داد جایز میدانم که نقل قولی از ایشان در ارتباط با نظرات جمعی از فعالین کارگری (جافک) بیاورم. ایشان چنین می گویند: "این جمع (منظور ایشان جمعی از فعالین کارگری می باشد) اضافه میکنند که برگزارکنندگان مراسم اول ماه می پارک لاله، فکر میکردند که با «جلو گذاشتن يك رشته مطالبات عمدتا اقتصادی و رفاهی، یا ارائه ابتدایی ترین خواسته های سیاسی و اجتماعی، قاعدتاً نباید با سرکوب شدید از جانب رژیم روبرو شود!» (تاکیدها از خود مطلب است) به نظر میرسد این جمع، با اندازه فاصله نوری از مسایل کارگران ایران به دور است و آنچنان غرق تراوشات ذهنی خود شده اند که در مسایل مهم خود، نه به نفس تجمع مستقل کارگران در مرکز پایتخت ۱۲ میلیونی "نمایندگان خدایان"، بلکه به مطالباتی که مطرح کرده اند اتکا دارند. هرگونه تجمع و اعتراض و برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در این کشور ممنوع است. بنابراین در چنین شرایطی، شما هر خواست و مطالبهای را مطرح کنید برای سرکوبگران اهمیتی ندارد آنچه که برای آنها حائز اهمیت دارد این است که کسی جرئت نکند فضای اختناق را بشکند؛ از خط قرمزهای حکومت بگذرد تا چه برسد در جهت تحقق مطالبات خود قطعنامه نیز بدهد".

قبل از هر چیز باید به این نکته اشاره شود که آقای رحمانی نه تنها با استفاده ابزاری فقط به آوردن بخشی از نظرات جافک برای جا انداختن نظر خاص خویش اکتفا نموده اند، نه تنها ایشان همانند هر هوادار نظریه سندیکالیستی شیفته مبارزه اقتصادی از تائید ارتباط دیدگاه اکونومیستی و تقلیل گرایانه با تحلیل های سطحی سیاسی خویش طفره میروند، بلکه ایشان از اشاره این جمع به واژه لنینیستی دیدگاه اکونومیستی وحشت دارند.

و اما آنچه این جمع بصراحت گفته اند و شوربختانه منافع طبقاتی غیر پرولتاری آقای رحمانی به ایشان اجازه نمی دهد که با حقیقتی که این رفقا بارها بر آن تاکید نموده اند (و حتی در نوشته قبل از برپائی مراسم روز جهانی کارگر در پارک لاله تحت عنوان "اول ماه مه: جشن کارگری یا نماد نبرد طبقاتی - جهانی؟" مطرح نمودند) روبرو شود این است:

"فکر می کنیم که بخشی از ما به طور کلی تحلیل نادرستی از اوضاع دارند. يك تحليل يك سوپه و غیر دیالکتیکی، که نتایج سیاسی خوشخیالانه و ساده انگارانه ای را به همراه می آورد. بدون شك در این نوشته، مجال برای باز کردن

ارتباط دیدگاه اکونومیستی و تقلیل گرایانه با تحلیل های سطحی سیاسی نیست، ولی در حد اشاره باید بگویم که: بعضی از ما گمان می کنند چون رژیم گرفتار بحران است، چون انتخابات نزدیک است و رقابت جناح های حکومتی بالا گرفته، یا چون نارضایتی مردم گسترده است، بنابراین احتمال دارد که رژیم، اینجا یا آنجا کوتاه بیاید. به ویژه اگر، جنبش های طبقاتی و اجتماعی نیز خواسته های خود را به اصطلاح در چارچوب "معقولی" مطرح کنند.

بعضی از ما گمان می کنیم که جلو گذاشتن يك رشته مطالبات عمدتاً اقتصادی و رفاهی، یا ارائه ابتدایی ترین خواسته های سیاسی و اجتماعی، قاعدتاً نباید با سرکوب شدید از جانب رژیم روبرو شود! در همین زمینه، اشاره به يك گفت و گوی تلفنی در یکی از برنامه های ماهواره ای (در آستانه برگزاری تجمع پارک لاله) می تواند مفید باشد. ببیننده ای از ایران به مجری برنامه ویژه اول ماه مه می گفت که تحت این رژیم اینطور نمی توان حرکت کرد؛ اینها فردا نیروهای سرکوبگر را می آورند و نمی گذارند مراسم برگزار شود. مجری در جواب می گفت که اینطور نیست. اینها نمی توانند تعداد زیادی کارگر و افراد خانواده هایشان را که آمده اند روزشان را جشن بگیرند و شیرینی بخورند را سرکوب کنند! (نقل به معنی)" (تاکید نخست از من است.)

در مقابل چنان تحلیلی از طرف این جمع (جافک)، افرادی همچون آقای رحمانی بعنوان سخنگوی "مستقل" پیدا میشوند که بدون تحلیل مشخص از شرایط مشخص که جنبش کارگری و زنان و دانشجویان، و معلمین و زاغه نشینان با آن روبریند، بخود اجازه میدهند کلی گوئی و تکرار مکررات ۳۰ سال گذشته شان را برای همگان روشن سازند و با شیوه پوپولیستی و عوامفریبانه ای می گویند:

"باین گونه روش میشود که این جمع ظاهراً «دلسوز طبقه کارگر»، مخالف برگزاری علنی اول ماه می امسال در پارک لاله و یا هر جای دیگر بوده است. توجیهشان نیز این است که حکومت اسلامی، آمادگی سرکوب آنها را داشت. انگار این آمادگی سرکوب حکومت اسلامی، همین امروز اتفاق افتاده و تا دیروز کسی نه آن را دیده و نه شنیده بود. بنابراین، این جمع، تازه کشف کرده است که حکومت اسلامی، به عنوان یک حکومت جانی و سرکوبگر، توان و ظرفیت بالایی در سکوب و کشتار دارد؟ بر این اساس، تاکید دارند که چون حکومت توان و ظرفیت سرکوب دارد پس کارگران نباید به خیابانها بریزند و دست به اعتراض بزنند و یا مراسم جهانی خود را جشن بگیرند و در آن علیه سرمایه داران و حکومت حامی سرمایه حرف بزنند. در نتیجه بهتر است در خانه هایشان بنشینند و در بهترین حالت روز جهانی خود را در خفا و در محافل خانوادگی برگزار کنند تا مورد هجوم نیروهای امنیتی و لباس شخصی قرار نگیرند. عجب تحلیل و نقد طبقاتی دلسوزانه ای؟! " (نقل از نوشته بهرام رحمانی "فراخوان دهندگان تجمع اول ماه می پارک لاله «ماجرای جویی» کردند؟!)

فعالین دلسوز که قلبشان برای پیروزی جنبش کارگری می تپد نمی توانند با بسیاری از موارد تحلیل آقای رحمانی خصوصاً با نظرات ایشان که روی آن تکیه شده موافق باشند. کارگران ایران و بخصوص قشر پیشرو آن آنقدر ساده لوح نیستند که نتوانند درک نمایند که اوضاعی مشخص کنونی که در آن بسر میبرند با تمام ۳۰ سال گذشته چه فرقی دارد. بیشتر آنکه، کارگران فعال دلسوز ایران عقب افتادگی برخی از گرایشات جنبش کارگری متحد شده در "کمیتة برگزاری مراسم روز جهانی کارگر" و بدتر توجیهات تئوریک عقب افتادگی آنان را در نداشتن یک تحلیل مشخص از اوضاع مشخص نمی پذیرند!

ضرب المثل معروفی است که میگوید هرگز نمیتوان در رودی دوبار شنا کرد! چون هم آن آب رود دائماً در حال روان شدن و تحول است، هم انسانها! بنابراین زمانیکه آقای رحمانی و دیگر همفکرانشان به شیوه "متفکرانه" ای به جنبش کارگری یادآوری میکنند که " این آمادگی سرکوب حکومت اسلامی_ "امروز اتفاق نیفتاده بلکه " همه کس" آن را " دیده و شنیده اند"، معتقدند که در جنبش کارگری ما، همه میتواند بدون تحلیل مشخص از شرایط مشخص نه تنها دوبار بلکه بارها در یک رود (صحنه مبارزه با دشمن) شنا نماید. ایشان با اصرار زیاد خواهان آنست که کارگران پیشقراول انقلابی جنبش کارگری نیز با چشم بسته از این اندرزهای ایده آلیستی و غیر علمی پیروی نمایند!

فعالین کارگری نمی توانند از تحلیل اوضاعی که جنبش کارگری در هر دوره از مبارزاتش، و بخصوص مبارزات کارگران در روز جهانی کارگر امسال، در آن قرار میگیرد سرباز زنند. چرا که اوضاع مشخص کنونی بخصوص در صحنه جهانی به عنوان یک عامل تعیین کننده در شکل گیری اوضاع داخلی ایران (که تحت تاثیر اوضاع بحران ساختاری سرمایه داری- امپریالیستی جهانی قرار دارد) با تغییرات شگرفی روبرو شده است و هر گونه بی اهمیتی به تحلیل مشخص از این اوضاع مشخص کنونی می تواند خطرات جدی برای عقبگرد و شکست کل جنبش کارگری در برداشته باشد. از طرف دیگر در پرتو تحلیل از چنان شرایطی مشخصی، و با یک ارزیابی دقیق از تناسب قوا بین دشمن و جنبش کارگری در صحنه نبرد، به تحلیل از نیروی خودی و همچنین نیروی جمهوری اسلامی (دشمن) باید اهمیت خاصی داده شود، و تاکتیک خاص مطابق با واقعیت عینی اتخاذ نمائیم .

واقعیت اینست که جنبش کارگری ما مانند هر جنبش اجتماعی دیگر (زنان، دانشجویان و معلمین و) در حالت تهاجم استراتژیک قرار ندارد. جنبش های اجتماعی و از جمله جنبش کارگری بعلت کم تجربگی و کمیت نیرو (کمی تعداد افراد) و قدرت دشمن و ضعف ما هنوز در حالت دفاع استراتژیک قرار دارد. و تا رسیدن به تهاجم استراتژیک علیه نیروی دشمن بسیار فاصله دارد. خود تجربه اول ماه امسال نیز تاییدی بر این نظر است .

هر حرکت و آکسیون موضعی -تاکتیکی ما (در هر و همه آکسیونهای مختلف مبارزاتی جنبش های اجتماعی) باید از وجه تاکتیکی تدارک ما برای عملیات ضد "محاصره و سرکوب" دشمن پیروی نماید. بنابراین پیشبرد هر آکسیون تاکتیکی از طرف پرولتاریای انقلابی در اوضاع کنونی، باید مطابق و در خدمت استراتژی دفاع فعال استراتژیک بنا شده باشد. سرنوشت آینده جنبش ما به این ارتباط دارد که آیا ما قادریم این عملیاتهای "محاصره و سرکوب" از طرف دشمن قوی علیه نیروی جنبش ضعیف و جوان ما که طبق میل ما هم پیش نخواهد رفت و مسیر پرپیچ و خمی را طی میکند، در هم شکنیم یا نه؟ دفاع استراتژیک ما بر متن سرنوشتی جمهوری اسلامی و کسب قدرت سیاسی قرار دارد.

در اتخاذ تاکتیک باید به دو انحراف در مقابله با دشمن تاکید شود. تاکتیک پرولتاریای انقلابی باید از کم بها دادن به دشمن و دیگری پر بها دادن یا مرعوب شدن از دشمن بر حذر باشد. در کم من اینست که تاکتیک برگزارکنندگان مراسم اول ماه مه در پارک لاله متناسب با تناسب قوای خودی و دشمن در صحنه جنگ طبقاتی نبود. این رفقا به انحراف کم بهائی به دشمن دچار شدند. این رفقا بدون در نظر داشتن نقاط ضعف تشکل های جنبش کارگری (کم تجربگی و کمی تعداد افراد که شامل تمام تشکل های اجتماعی دیگر- زنان، دانشجویان و معلمین- می شود) فقط به فکر انجام "گردهمائی" و یا "تعرض" بودند و مسئله دفاع و عقب نشینی را در نظر نگرفتند. و به همین دلیل خود را از نظر روانی خلع سلاح ساختند . (تازه محتوای سیاسی "تعرض" این رفقا حتی به معنی واقعی یک تعرض بر

متن دفاع استراتژیک هم نبود بلکه فقط اعلام وجود غیر فعال و محافظه کارانه بر راستای حداقلی از مطالبات بود) برای هر فرد بیغرض دلسوز جنبش کارگری روشن است که تحلیل نادرست از اوضاعی که در آن بسر میبریم، و به تبعیت از آن، ارزیابی نادرست از اوضاعی اقتصادی، اجتماعی سیاسی و نظامی که جنبش کارگری با آن روبروست به نتیجه گیری نادرست منجر میشود. و آن نتایج نادرست نیز بنوبه خود تاثیر بسزائی در اتخاذ تاکتیک نادرست و غیر علمی خواهد داشت. آرایش نیروی ما و دشمن بر مبنای تناسب قوا در میدان جنگ نابرابر طبقاتی از تصمیماتی است که باز به استنتاجات ما از اوضاع کنونی ارتباط مستقیم دارد.

تاکید می کنم که من این بخش از نقد آقای بهرام رحمانی بر نوشته جافک را ناصادقانه می دانم وقتی که می نویسد: "بر این اساس، تاکید دارند (منظورشان جافک- و تاکید از من است) که چون حکومت توان و ظرفیت سرکوب دارد پس کارگران نباید به خیابانها بریزند و دست به اعتراض بزنند و یا مراسم جهانی خود را جشن بگیرند و در آن علیه سرمایه داران و حکومت حامی سرمایه حرف بزنند. در نتیجه بهتر است در خانه هایشان بنشینند و در بهترین حالت روز جهانی خود را در خفا و در محافل خانوادگی برگزار کنند تا مورد هجوم نیروهای امنیتی و لباس شخصی قرار نگیرند. عجب تحلیل و نقد طبقاتی دلسوزانه ای؟! آقای رحمانی! ممکن است به خوانندگان بگوئید که در آن نوشته، کجا جافک بر چنین مسله ای "تاکید دارند"؟"

برای کارگران و فعالین دلسوز بسیار ضروریست که نظرات و جمع بندی های مختلف ارائه شده از طرف گرایشات مختلف مرتبط با نهضت کارگری ایران را در این زمینه بررسی نماید و استنتاجات هر یک و بالطبع برنامه سیاسی هر یک از این گرایشات در برخورد به قدرت سیاسی، و امر جایگزینی قدرت کهنه ارتجاعی با یک قدرت سیاسی و دولت نوین پرولتاریای انقلابی، و ارتباط کار نیمه علنی و مخفی را با دقت زیاد مورد نقد و بررسی قرار دهند. و درحین مطالعه دقیق و نقادانه تمامی گرایشات موجود در جنبش کارگری از خود سوال نمایند که آن بخش از گرایشات مرتبط با جنبش کارگری که بجز خود همه رابه "تنوری بافی" متهم می نمایند مبنای سیاسی و ایدئولوژیک نظرات و تنوری خودشان از کدام ایدئولوژی طبقاتی سرچشمه میگیرد؟ باید سوال کنند که گرایشاتی که از "عملی نمودن آرمان کارگری" در یک رابطه درونی با کارگران" صحبت مینمایند نقش حقیقی پیشاهنگ انقلابی را چگونه ترسیم مینمایند؟ و بالاخره اینکه، برنامه سیاسی چنان گرایشاتی برای کسب قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر چیست؟

کازم بهارلو فعالی از جنبش کارگری ایران

سوم خرداد ۱۳۸۸ برابر با بیست و چهارم مه ۲۰۰۹

منابع

۱- لیک نوشته بهرام رحمانی چنین است :

<http://jafk.blogfa.com/page/aval-bahram.aspx>

۲- اول ماه مه: جشن کارگری یا نماد نبرد طبقاتی - جهانی؟

۳- تجمع یارک لاله: زمینه ای برای پرداختن به مسائل عمیقتر.